



## The Role of Personality Traits and Ego Identification in the Political Participation of Basiji Students

**Maddahi, M.** Assistant Professor Shahed University, Tehran, Iran  
**Besharat, M.** Full Professor, University of Tehran, Tehran, Iran  
**Tabataba'i Mir, F.** PhD in Psychology, University of Science and Research, Tehran, Iran

### Abstract

This study was conducted to develop a model for political participation on the basis of personality traits and ego identification. It is a correlational study based on structural equation modeling, especially regression equations (an amalgamation of path analysis and the second level factor analysis). The statistical population included all the male and female Basiji students of the Science and Research Branch of Islamic Azad University. In this study, a sample size of 500 people was determined, considering the number of observed variables, assigning a coefficient of 20 for each variable and taking into account the possibility of incomplete questionnaires. After determining the sample size, the availability sampling method was used to select the sample. For data collection, the NEO Personality Questionnaire, the Benyon and Adams Identity Questionnaire and Farajzadeh's standard questionnaire of political participation were used. The findings revealed that the research model was valid, and in general 83% of political participation could be explained by personality traits and ego identification. Also, personality traits and ego identification variables had a significant direct effect on political participation, and the path of personality traits mediated by identification showed an indirect effect on political participation. The results of this study underline the need for social communication models in an area of natural characteristics of individuals in large-scale social and national activities.

**Key words:** political participation, personality traits, ego identification.



## نقش ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌یابی ایگو در مشارکت سیاسی

### دانشجویان بسیجی

استادیار دانشگاه شاهد، تهران، ایران

محمد ابراهیم مداحی\*

استاد دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمدعلی بشارت

دکتری تخصصی روان‌شناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران

سیدفرزاد طباطبایی میر

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مدل‌یابی مشارکت سیاسی براساس ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌یابی ایگو انجام شد و از نوع پژوهش‌های همبستگی مبتنی بر روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به‌طورخاص معادلات رگرسیونی (تلفیق تحلیل مسیر و تحلیل عاملی سطح دوم) بود. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان دختر و پسر بسیجی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات بود. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و تخصیص ضریب ۲۰ برای هر متغیر و با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص ۵۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب خواهند شد. پس از تعیین تعداد نمونه، نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه شخصیتی نئو، پرسشنامه هویت بنیون و آدامز و پرسشنامه استاندارد مشارکت سیاسی فرج‌زاده، مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که مدل پژوهش تأیید شده و به‌طورکلی ۸۳ درصد از مشارکت سیاسی توسط ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌یابی ایگو قابل تبیین است. همچنین متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی هویت‌یابی ایگو بر مشارکت سیاسی، اثر مستقیم معنی‌دار دارند و مسیر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری هویت‌یابی اثر غیرمستقیمی بر مشارکت سیاسی را نشان دادند. نتایج این پژوهش بر ضرورت الگوهای ارتباطی اجتماعی در زمینه‌ای از ویژگی‌های سرشتی افراد در فعالیت‌های کلان اجتماعی و ملی تأکید می‌ورزد. **کلیدواژه‌ها:** مشارکت سیاسی؛ ویژگی‌های شخصیتی؛ هویت‌یابی ایگو.

## مقدمه

امروزه مشارکت سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم که گذار از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند، به شکلی حساس‌تر خود را نشان می‌دهد (امینی کسبی و نرگسیان، ۱۳۹۴). دولت‌ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن دردهند و از طرف دیگر میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه‌یافته و توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه دلالت دارد (وانگ و شلابی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). از منظر دینی، مشارکت سیاسی فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف حتمی و ضروری و ارزشی مطلوب برای دانشجویان و عموم جامعه است (نظری، ۱۳۹۰).

در این بین، ویژگی‌های شخصیت مجموعه‌ای پایدار از ویژگی‌ها که مشابهت و تفاوت‌های رفتار روان‌شناختی افراد (افکار، احساسات و اعمال) را که دارای تداوم زمانی بوده و ممکن است به واسطه فشارهای اجتماعی و زیست‌شناختی موقعیت‌های بلاواسطه شناخته شوند، مشخص می‌کند (اسومی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). بین تفاوت‌های فردی در خصوصیات شخصیتی، می‌توان پنج بُعد عمده را منظور کرد (گوردون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). روان‌رنجورخویی<sup>۴</sup> (N) بر تجربه اضطراب، ترحم‌جویی، خصومت و تکانش‌وری اشاره می‌کند، در حالی که برون‌گرایی<sup>۵</sup> (E) به تمایل فرد برای مثبت‌بودن، جرئت‌طلبی و صمیمی‌بودن اشاره دارد. پذیرش<sup>۶</sup> (O) تمایل فرد برای کنجکاوی، هنرمندی و خردورزی اطلاق می‌شود، در حالی که سازگاری<sup>۷</sup> (A) تمایل فرد برای مهربانی، سخاوت، همدلی و اعتمادورزی را نشان می‌دهد (چپمن و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵) و سرانجام به تمایل فرد برای منظم‌بودن

- 
1. Wang, & Shalaby
  2. swami and et al
  3. Gordon
  4. neuroticism
  5. extroversion
  6. openness
  7. agreeableness & Lynes s
  8. Chapman, Duberstein, Sorensen

اشاره می‌شود؛ اینکه وظیفه‌شناسی<sup>۱</sup> (C) کارابودن، قابلیت اعتماد، خودنظم‌بخشی و منطقی بودن اطلاق می‌شود (کوراند<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

قدرت ایگو متغیر مهمی در عملکرد انسان به‌شمار می‌رود. اصطلاح قدرت ایگو به توانایی فرد برای برخورد مؤثر با خواست‌های رقابت‌آمیز و موقعیت‌های توان‌فرسا و برای عملکرد مؤثر به‌رغم خواست‌ها و توقعات این نیروهای متعارض، به‌کار می‌رود (کرانندوک و ورمیولن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). بنابراین، وجود یک ایگوی قدرتمند باعث می‌شود که نشانه‌های آسیب روانی را از خود کمتر نشان دهند و در برابر تنش ناشی از شرایط فشارزای زندگی، تحمل و ظرفیت کافی داشته باشند و از طرف دیگر، ضعف ایگو موجب می‌شود که ارگانسیم از دنیای بیرونی به دنیای درونی برگردد و به خودش عقب‌نشینی کند (آلام<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸). یکی از عوامل تأثیرگذار بر سلامت روان از دیدگاه روان‌پویشی<sup>۵</sup>، توانمندی ایگوست و ایگو نقش مهمی در عملکرد روان‌شناختی ذهن برعهده دارد. سلامت و بیماری تابعی از توانایی ایگو برای اداره مناسب فشار امیال متأثر از غرایز برای تخلیه است، به‌گونه‌ای که در تضاد شدید با محدودیت‌های دنیای واقعی و سوپرایگو نباشد (سینگدو و فالت<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷). به این ظرفیت ایگو برای اداره تقاضاهای متعارض، سوپرایگو و مقتضیات واقعیت بیرونی، توانمندی ایگو اطلاق می‌شود و به مقداری که ایگو نتواند یک تعادل کارکردی ایجاد کند، شخصیت درگیر بیماری خواهد شد و آسیب‌شناسی روانی نیز هم براساس تعارضات ایجادشده و ناتوانی ایگو جهت برقراری تعادل بین سطوح شخصیت قابل فهم است و هم از راه فهم شیوه‌هایی که فرد تعارض را کنترل می‌کند؛ یعنی از راه سازوکارهای دفاعی ایگو درک می‌شود (دینز، والداسمیت، استورم و کاراسیچ<sup>۷</sup>، ۲۰۱۷). از آنجا که ایگو وظیفه مدیریت سیستم روانی را برعهده دارد، تمام مشکلات روانی، زمانی ظاهر می‌شود که ایگو نتواند به مسئولیت‌هایش عمل کند. در مجموع اینکه توانایی ما برای کنار آمدن با زندگی، یعنی تعادل روانی ما، به توانایی و

1. conscientiousness
2. Conard
3. Kranendonk, & Vermeulen
4. Alam
5. Psychodynamic Approach
6. Swyngedouw, & Phalet
7. Dins, Waldschmidt, Sturm, & Karačić

قدرت ایگو در جهت غلبه بر فشارهای گوناگونی که بر آن وارد می‌شود، بستگی دارد (گریمز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷).

توسعه سیاسی، پدیده‌ای است که نمی‌توان تأثیرش را بر حیات اجتماعی و سیاسی جهان امروز، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، انکار کرد و در فرایند تحقق توسعه یافتگی سیاسی عوامل گوناگونی ایفای نقش کنند که در میان آنها، نقش اعضای جامعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است (احمدی‌پور، علوی و محمد هیودی، ۱۳۹۲). براساس نظریات موجود توسعه یافتگی سیاسی در دو سطح خرد و کلان قابل بررسی است، معرف‌های سطح کلان توسعه یافتگی سیاسی در عرصه ساخت سیاسی و ساخت اجتماعی تعیین شده‌اند و معرف‌های سطح خرد در عرصه فرهنگ سیاسی و رفتار افراد قابل تشخیصند که عبارت بودند از: فرهنگ سیاسی دموکراتیک، اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی، هویت ملی (خانیکی و رهبر، ۱۳۹۴). در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای به مطالعه مشارکت سیاسی و فعالیت‌های سیاسی و رابطه بین شخصیت با میزان مشارکت سیاسی شده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند انتخاب‌ها و فعالیت‌های سیاسی افراد (مانند شرکت در انتخابات) تا اندازه زیادی به ویژگی‌ها و گرایش‌های روانی پایدار آنها بستگی دارد (جی لورزینی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). با وجود این، مطالعات تجربی به‌جای، تأکید بر روابط و ویژگی‌های شخصیتی و ارزش‌های افراد، بیشتر بر جهت‌گیری‌های سیاسی آنان تأکید کرده است (ریبریو و بوربا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶). در حقیقت، افراد زمانی درگیر فعالیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی می‌شوند که باور داشته باشند می‌توانند بر فرایندهای سیاسی تأثیر بگذارند (وینشنک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). کسانی که نسبت به توانایی تأثیر بر فرایندهای سیاسی تردید دارند، دلیل قانع‌کننده‌ای برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی پیدا نمی‌کنند، حتی اگر به زمینه‌هایی که انگیزه مشارکت در آن را دارند، نیز دعوت شوند (رسو و آمانا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶). در مقابل، کسانی که معتقدند می‌توانند بر نظام‌ها و فرایندهای سیاسی تأثیر بگذارند احتمال بیشتری دارد که در این‌گونه زمینه‌ها درگیر شوند و هدف‌های سیاسی خود را دنبال کنند، حتی اگر مستلزم خطرات شخصی نیز باشد (آرمینگون و اسپچادل، ۲۰۱۵).

1. Grimes
2. Lorenzini
3. Ribeiro, Borba
4. Weinschenk
5. Russo, & Amnå

ویژگی‌های شخصیتی، مؤلفه‌های متمایزی است که می‌تواند رفتار سیاسی را به درجات مختلف تعیین کند (داینس، هاسل و مایلز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). ویژگی‌ها و گرایش‌های نسبتاً پایدار شخصیتی برای رفتار در واقع شیوه‌های متداول و مبتنی بر عادت است که با الگوهای ثابت افکار و احساسات، رابطه نیرومند دارد (ناوتا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). این ویژگی‌ها در واقع ساختار دانشی را تشکیل می‌دهد که که منعکس‌کننده میزان کنترل افراد در حوادث و نیز اعمال نفوذ و تأثیر بر آنهاست (ها، کیم و جو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). از جمله این حوادث، فعالیت‌ها و رویدادهای سیاسی (مانند انتخابات) است که می‌تواند سرنوشت سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی کشور را تغییر دهد (پارچکو، لانگه<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). نظریه‌های متعددی نقش شخصیت را در تبیین مشارکت‌های سیاسی برجسته کرده‌اند و معتقداند که باید نقش شخصیت را در مدل‌های مشارکت سیاسی کاملاً مورد نظر قرار داد (داوز<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). با وجود این، نتایج مطالعات گریب و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌تواند نقشی بارز را در اهمیت و مشارکت در روند سیاسی اجتماعی ایفا نماید و دربرگیرنده نگرش‌های دیگری در خصوص هویت بین‌فردی و سبک روابط آنان در اجتماعی می‌باشد. جولی، هافمنز و لویون<sup>۷</sup> (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که ایدئولوژی‌ها و ویژگی‌های مرتبط با شخصیت افراد با میزان تعاملات و ارتباطات سیاسی می‌تواند رابطه بسیار نزدیکی را سبب شود. رسو و آمننا<sup>۸</sup> (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی به‌طور مستقیم می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تعاملات و مشارکت سیاسی باشد و این ویژگی‌ها نشان‌دهنده‌ای از وظیفه‌شناسی و ارتباطات اجتماعی دارا می‌باشد. ها، کیم و جو<sup>۹</sup> (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی و مشارکت سیاسی روابط بسیار تعیین‌کننده‌ای با یکدیگر دارند و در این میان شواهدی از وجود سطوح و سبک‌های ارتباطی از

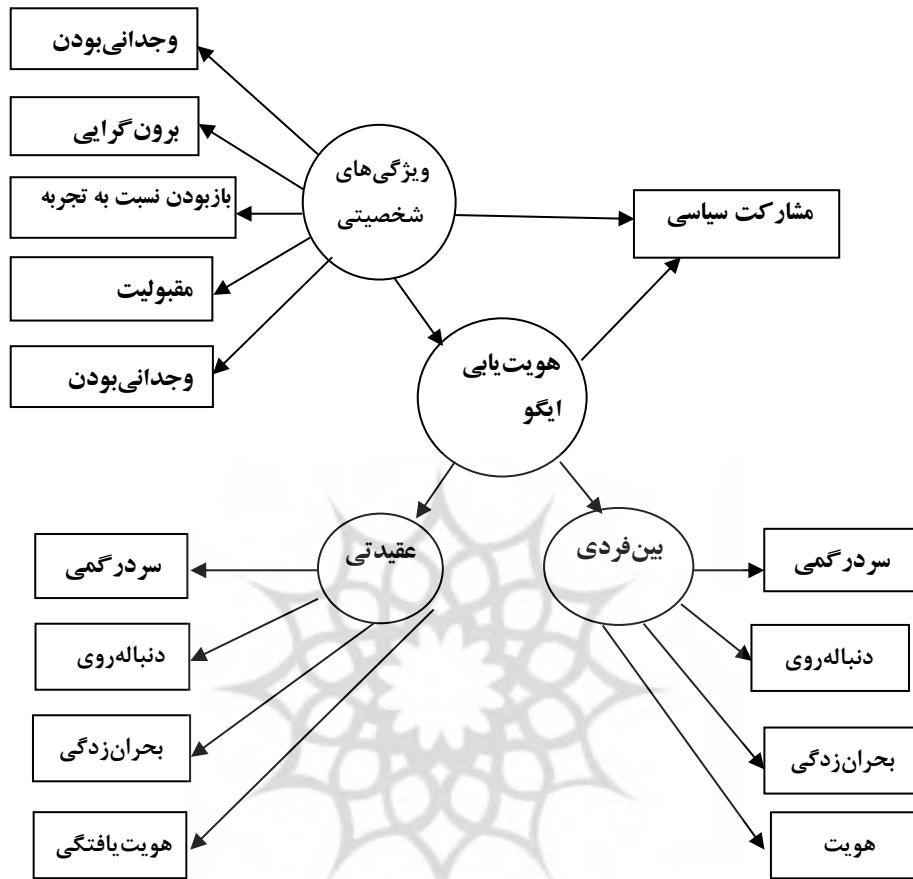
- 
1. Dynes, Hassell, & Miles
  2. Nauta
  3. Ha, Kim, & Jo
  4. Pacheco, Lange
  5. Dawes & Partners
  6. Gerber, et al
  7. Joly, Hofmans, & Loewen
  8. Russo, & Amnå
  9. Ha, Kim, & Jo

خویشتن می‌تواند به‌عنوان عوامل تسهیل‌گر در نظر گرفته شوند. وانگ و شلابی<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و گشودگی به تجربه با مشارکت سیاسی در افراد با استفاده از چارچوب درک از روابط بین‌فردی و پیش‌زمینه‌های درک از هویت رابطه وجود دارد.

باور بسیاری از صاحب‌نظران (برن اشتاتر و اوپ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴، داینس، هاسل و مایلز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶، سینگدو و فالت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷، پرسون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲، کم<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲) سطح مشارکت و فعالیت‌های سیاسی در دو دهه گذشته کاهش داشته و نوعی عدم احساس مسئولیت نسبت به امور و فرایندهای سیاسی و نیز بی‌مسئولیتی نسبت به مسائل سیاسی جامعه به وجود آمده است. اما کمتر پژوهشی به مبانی روان‌شناختی این پدیده توجه کرده و تلاش کرده است تا آن را بر پایه مبانی روان‌شناختی رفتار به‌ویژه ساختار شخصیت و روابط اولیه توصیف و تبیین کند.

به‌طور کلی بررسی نقش، جایگاه و کارکردهای دانشجویان در نظام سیاسی و ضرورت بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌های دانشجویان در اداره امور می‌تواند یکی از شرایط اجتناب‌ناپذیر توسعه سیاسی و اجتماعی باشد. سیاسی‌بودن دانشجو در حدی که در برابر سرنوشت خود و جامعه حساس باشد و نسبت به مسائل داخلی و خارجی و جریان‌های موجود از بینش و تحلیل سیاسی برخوردار باشد، از جمله ضرورت‌های حیات سیاسی دانشجویان و لازمه توسعه سیاسی است (پناهی، ۱۳۸۸). همچنین تبیین کارکردهای دانشگاه به‌عنوان یکی از بخش‌های ساختار فرهنگی کشور و نقشی که دانشجو در این زمینه به‌عهده دارد، به‌خوبی مبین ضرورت مشارکت سیاسی دانشجویان است. برپایه مطالب بالا، مسئله اساسی پژوهش، کشف مدل‌یابی مشارکت یا عدم مشارکت سیاسی براساس مؤلفه‌های روان‌شناختی است که در پژوهش حاضر شامل خصوصیات شخصیتی و روابط موضوعی می‌باشد. لذا برای این منظور مدل زیر براساس مبنای نظری موجود و نتایج پژوهش‌های قبلی که به آنها اشاره شد، به‌عنوان مدل مفروض ترسیم می‌شود.

- 
1. Wang, & Shalaby
  2. Brandstätter, & Opp
  3. Dynes, Hassell, & Miles
  4. Swyngedouw, & Phalet
  5. Kam



مدل ۱-۱. مدل مفهومی پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف آن از نوع تحقیقات بنیادی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها به صورت مقطعی و تحلیل آنها به روش توصیفی و از نوع طرح‌های همبستگی مبتنی بر روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) به‌طور خاص معادلات رگرسیونی بود. رویکرد مبتنی بر کواریانس (CBSEM) براساس نرم‌افزار Amos ۲۳ می‌باشد و این رویکرد به تخمین ضرایب



مسیرها، بارهای عاملی با استفاده از به حداقل رساندن تفاوت بین ماتریس کواریانس مبتنی بر نمونه و ماتریس کواریانس مبتنی بر مدل می‌پردازند. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات بودند. در زمینه برآورد بهینه برای مطالعات مربوط به مدل‌یابی معادله ساختاری نظرات متفاوتی وجود دارد از جمله کلاین (۲۰۱۰) و لوهلین (۲۰۰۴) به نقل از قاسمی (۱۳۹۰) معتقدند حجم نمونه کمتر از ۱۰۰ نامناسب و حجم‌های بالاتر از ۲۰۰ مطلوب است. مک کالوم (۲۰۰۱) به نقل از قاسمی (۱۳۹۰) به اندازه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ اشاره می‌کند. هاینر و همکاران (۲۰۰۸)، نیز به اندازه بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ اشاره می‌کنند. برای سازگاری با الگوی معادلات ساختاری تعداد نمونه باید حداقل ۱۵ برابر متغیرهای مشاهده شده باشد (استیونس، ۱۹۹۴، به نقل از هومن، ۱۳۹۳) در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده شده و تخصیص ضریب ۲۰ برای هر متغیر، و با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص ۵۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب خواهند شد. پس از تعیین تعداد نمونه، نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه‌های ذیل می‌باشند:

### پرسشنامه شخصیتی NEO

این پرسشنامه (فرم تجدیدنظر شده) ساخته مک کری و کاستا، (۱۹۹۲) می‌باشد و این آزمون دارای ۶۰ سؤال است که پنج عامل روان‌رنجور گرایی، برون‌گرایی، گشودگی یا بازبودن نسبت به تجربه، مقبولیت و وجدانی بودن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این فرم پس از اجرای چندین بار تحلیل عاملی و بررسی اعتبار و روایی به یکی از مقیاس‌های معتبر در ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی تبدیل شده است (آلوجا و همکاران، ۲۰۰۵؛ هولدن، ۱۹۹۲؛ هولدن و فنکنف، ۱۹۹۴). نتایج دارای دو فرم خود گزارش دهی<sup>۱</sup> (S) و فرم درجه‌بندی مشاهده گر<sup>۲</sup> (R) است. در فرم ۶۰ گویه‌ای برای هر زیرمقیاس ۱۲ ماده (توصیف کننده رفتار) است که در مقیاس ۵ امتیازی (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) نمره گذاری می‌شود. کلید سؤالات روان‌آزردگی: ۱ و ۶ و ۱۱ و ۱۶ و ۲۱ و ۲۶ و ۳۱ و ۳۶ و ۴۱ و ۴۶ و ۵۱ و ۵۶، برون‌گرایی: ۲ و ۷ و ۱۲ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۷ و ۳۲ و ۳۷ و ۴۲ و ۴۷ و ۵۲ و

1. Self-report
2. Rating observer

۵۷، انعطاف‌پذیری: ۳ و ۸ و ۱۳ و ۱۸ و ۲۳ و ۲۸ و ۳۳ و ۳۸ و ۴۳ و ۴۸ و ۵۳ و ۵۸، سازگاری: ۴ و ۹ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۴ و ۳۹ و ۴۴ و ۴۹ و ۵۴ و ۵۹، وجدان‌گرایی: ۱۰ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۵ و ۳۰ و ۳۵ و ۴۰ و ۴۵ و ۵۰ و ۵۵ و ۶۰ می‌باشد. هر دو فرم به صورت قلم کاغذی و کامپیوتری قابل اجراست. در راهنمای پرسشنامه ۲۴۰ ماده‌ای مشخص شده است که اجرای کامل پرسشنامه در حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه وقت لازم دارد. ضرایب همسانی دورنی برای نسخه ۶۰ گویه‌ای بین ۰/۷۹ (روان‌رنجورخویی) تا ۰/۸۳ (باوجدان‌بودن) گزارش شده است (کاستا و مک کری، ۲۰۰۴). مطالعه شری و دیگران<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) نشان داد ضرایب همسانی درونی فرم کوتاه‌شده بین ۰/۶۸ (گشودگی یا بازبودن نسبت به تجربه) تا ۰/۸۵ (روان‌رنجورگرایی) قرار دارد. ضرایب همسانی دورنی برای نسخه ۶۰ گویه‌ای بین ۰/۷۹ (روان‌رنجورخویی) تا ۰/۸۳ (باوجدان‌بودن) گزارش شده است (کاستا و مک کری، ۲۰۰۴). مطالعه شری و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد ضرایب همسانی درونی فرم کوتاه‌شده بین ۰/۶۸ (گشودگی یا بازبودن نسبت به تجربه) تا ۰/۸۵ (روان‌رنجورگرایی) قرار دارد.

پرسشنامه هویت (EOM-EIS-2): این پرسشنامه توسط بنیون و آدامز (۱۹۸۶) ساخته شده است، توسط رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) ترجمه شده و روی دانشجویان دوره کارشناسی بررسی شد. این پرسشنامه دو نوع هویت عقیدتی و بین‌فردی را مورد سنجش قرار می‌دهد که هریک چهار منزلت هویت‌یافته، بحران‌زده، دنباله‌رو و سردرگم را شامل می‌شود، عقیدتی: دنباله‌رو (۶۳،۴۴)، ۵۰، ۲۸، ۶۴، ۴۱، ۱۷،۲۴)، سردرگم (۲۶، ۱۰، ۴۲، ۵۲، ۱۶، ۸، ۴۰، ۲۵، ۵۶، ۱،۴)، هویت‌یافته (۴۲، ۴۰، ۱۸، ۴۹، ۲۰، ۳۶، ۵۹، ۳۳) و بحران‌زده (۸، ۳۲، ۴۸، ۹، ۳۴، ۱۲، ۵۷)، بین‌فردی: دنباله‌رو (۶۲، ۳۸، ۳۷، ۳۹، ۶۱، ۲۱، ۳، ۲۷)، سردرگم (۳۰، ۳۰، ۵۳، ۱۹، ۶، ۲۳، ۵۹، ۷)، هویت‌یافته (۴۶، ۲۲، ۱۵، ۵۱، ۴۵، ۳۵، ۵۵، ۱۳) و بحران‌زده (۱۴، ۵۴، ۴۳، ۶۰، ۱۱، ۴۷، ۲۹، ۳۱)، البته محتوای هریک از دو نوع هویت متفاوت است. در هویت عقیدتی موضوعات مذهب، شغل، سیاست، فلسفه زندگی و در هویت بین‌شخصی انتخاب دوست، نقش همسری، تفریح و وعده ملاقات با جنس مخالف در قالب چهار منزلت هویتی مطرح شده است. در کل تعداد سؤالات پرسشنامه ۶۴ سؤال است. بنابراین پرسشنامه اجراشده دارای ۶۵ سؤال برای سنجش

هویت بود. به مخالف به ترتیب نمره‌های ۱ تا ۶ تعلق می‌گیرد و دامنه هریک از چهار مؤلفه بین ۱۶ و ۹۶ می‌باشد، روایی سازه این پرسشنامه با دو روش تحلیل عاملی اکتشافی برای یک نمونه تصادفی ۵۰ درصدی و تحلیل عاملی تأییدی با مقایسه سه مدل روی ۵۰ درصد دیگر انجام شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی نشان داد که پرسشنامه مذکور در هویت عقیدتی و بین‌شخصی به ترتیب چهار عامل دنباله‌روی، هویت‌یافتگی، بحران‌زدگی و سردرگمی را دارد. همچنین روایی همگرا - واگرای چهار منزلت هویت مشابه در دو هویت عقیدتی و بین‌شخصی محاسبه شد که بیانگر روایی همگرا - واگرای این ابزار است. ضریب پایایی آلفای کرونباخ هشت زیرمقیاس هویت من در سردرگمی عقیدتی و بحران‌زدگی عقیدتی ۰/۴۶ و برای بقیه زیرمقیاس‌ها از ۰/۵۳ تا ۰/۷۶ به دست آمد. در نتیجه‌گیری نهایی این پژوهش روایی سازه و پایایی این پرسشنامه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

پرسشنامه استاندارد مشارکت سیاسی فرج‌زاده، (۱۳۹۳): دارای ۲۶ سؤال می‌باشد و در مجموع سطوح زیر را می‌توان برای مشارکت سیاسی در اهداف این ابزار برشمرد: حق رأی و شرکت در انتخابات، حق فعالیت‌های سیاسی و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، حق کاندیداتوری در انتخابات، دخالت در تصمیم‌گیری‌های کلان و تغییرات ساختاری. این پرسشنامه دارای یک نمره کلی می‌باشد، طیف لیکرت ۶ گزینه‌ای از ۱. کاملاً مخالفم تا ۶. کاملاً موافقم است. اعتبار یا روایی با این مسئله سروکار دارد که یک ابزار اندازه‌گیری تا چه حد چیزی را اندازه می‌گیرد که ما فکر می‌کنیم (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش فرج‌زاده (۱۳۹۳) به اعتبار قابل قبول در این پژوهش، ابتدا طی جلسات متعدد با کمک استاد راهنما به انتخاب معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از بین شاخص‌های حاضر در پرسشنامه‌های موجود و آزمون شده قبلی، اقدام نمودیم. علاوه بر آن، تمامی گویه‌های استخراج شده در اختیار چند تن از اساتید و کارشناسان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت. اشتراک نظر آنها بر گویه‌ها، مبنی بر معتبر بودن سنجش مورد نظر بود. در پژوهش فرج‌زاده (۱۳۹۳)، پایایی این پرسشنامه در پژوهش مقدماتی روی ۳۰ نفر از دانشجویان با آلفای کرونباخ  $\alpha = 0.86$  محاسبه شده است. با توجه به اینکه معمولاً پایایی فراتر از ۰/۷۰ مطلوب است، می‌توان استنباط کرد که پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش، پایایی نسبتاً بالایی دارند.

## یافته‌ها

جدول ۱: مشخصات دموگرافیک (جمعیت شناختی)

متغیرها	عوامل جمعیتی	تعداد	درصد
جنسیت	مؤنث	۳۱۰	۶۲
	مذکر	۱۹۰	۳۸
وضعیت تحصیلی	لیسانس	۳۵۱	۷۰/۲
	فوق لیسانس	۱۰۵	۲۱
	دکتری	۴۴	۸/۸

باتوجه به جدول (۱) اطلاعات جمعیت شناختی گروه نمونه در حیطه سنی و جنسیتی نشان داده می‌شود.

ابتدا با بررسی پیش فرض‌های آماری با استفاده از آزمون‌های، کشیدگی و چولگی، جعبه‌ای، کولموگروف-اسمیرنوف داده‌های پرت شناسایی، سپس با استفاده از آزمون ماهالانوبیس<sup>۱</sup> داده‌های پرت حذف شد و تعداد ۴۸۲ نمونه نهایی شد. همچنین پس از بررسی نرمالی داده‌ها مدل اندازه‌گیری دو متغیر پژوهش بررسی و تأیید شد. همچنین نتایج میانگین واریانس‌های استخراجی<sup>۲</sup> (AVE) نشان می‌دهد تمامی زیرمقیاس‌های مشارکت سیاسی، ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌یابی ایگو در مدل اندازه‌گیری مقادیر به‌دست آمده آن از حد معیار ۰/۵ بزرگ‌تر است که نشان‌دهنده روایی از نوع همگراست، همچنین اعتبار مرکب (اعتبار سازه) نشان‌دهنده آن است که مقادیر به‌دست آمده از مؤلفه‌ها از حد معیار ۰/۰۷ بیشتر است و بنابراین موضوع AVE و CR (پایایی سازه)<sup>۳</sup> پرسشنامه‌ها تأیید می‌شود.

1. Mahalanobis test
2. Average extraction variances
3. Construct Reliability

جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متغیرهای مشارکت سیاسی، ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌یابی ایگو

متغیر	SD	M	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
روان‌رنجوری	۷/۲۲	۳۶/۵۰														
برون‌گرایی	۶/۱۸	۳۳/۸۰	-.۳۳**													
انعطاف‌پذیری	۶/۸۰	۳۷/۶۲	-.۱۹**	.۵۶**												
سازگاری	۷/۳۷	۳۶/۸۰	-.۲۸**	.۴۹**	.۳۷**											
وجدانی‌بودن	۶/۹۷	۳۸/۴۴	-.۳۱**	.۱۴*	.۳۸**	.۳۴**										
آشفته‌بین‌فردی	۹/۵۴	۴۲/۳۶	.۲۰**	-.۲۳**	-.۲۷**	-.۳۶**	-.۴۱**									
زودشکل‌گرفته بین‌فردی	۵/۳۰	۳۷/۱۴	-.۲۸**	.۳۱**	.۱۳*	.۱۲*	.۲۵**	-.۲۱**								
تعویق‌افتاده بین‌فردی	۸/۴۲	۴۸/۶۶	.۱۸**	-.۲۷**	-.۲۲**	-.۲۹**	-.۱۵**	.۱۸**	-.۳۷**							
پیشرفته بین‌فردی	۶/۵۲	۴۹/۰۱	-.۲۲**	.۲۲**	.۱۸**	.۲۸**	.۲۳**	-.۲۴**	.۳۴**	-.۳۹**						
آشفته عقیدتی	۶/۳۳	۳۹/۱۴	.۱۹**	-.۱۷**	-.۲۴**	-.۱۵**	-.۲۰**	.۴۰**	.۳۷**	.۳۴**	-.۲۶**					
زودشکل‌گرفته عقیدتی	۸/۹۷	۳۵/۳۸	-.۲۳**	.۱۴*	.۲۸**	.۲۴**	.۱۱*	-.۱۳*	-.۳۳**	-.۳۷**	.۲۵**	-.۴۶**				
تعویق‌افتاده عقیدتی	۷/۵۲	۴۹/۲۷	.۲۰**	-.۱۱*	-.۱۴*	-.۱۲*	-.۱۴*	.۲۰**	.۱۹**	.۳۳**	-.۲۸**	.۴۴**	.۳۵**			
پیشرفته عقیدتی	۷/۶۸	۵۰/۹۷	-.۲۵**	.۱۷**	.۲۵**	.۱۸**	.۱۱*	-.۱۶*	-.۳۴**	-.۱۹**	-.۱۷**	-.۴۰**	.۴۱**	-.۳۸**		
مشارکت سیاسی	۱۴/۳۴	۷۵/۶۶	-.۱۷**	.۱۶**	.۱۹**	.۲۱**	.۲۴**	-.۱۷**	.۱۸**	-.۲۳**	.۱۷**	-.۲۹**	-.۱۸**	-.۲۴**	-.۲۸**	

\*\* P<0/01 \* P<0/05

نتایج مندرج در جدول (۲) همبستگی معنی‌داری بین ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌یابی ایگو با مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد و در سطح ۰/۰۱ وجود دارند.

جدول ۳. شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرها پس از یک مرحله اصلاح

نام آزمون	توضیحات	مقادیر قابل قبول	مقدار به دست آمده قبل از تصحیح	مقدار تصحیح پس از تصحیح
$\chi^2/df$	کای اسکوئر نسبی	$< 3$	۳/۷۱	۲/۸۸
$\chi^2$	آزمون نیکویی برازش مجذور کای	-	۳۳۴/۵۲۱	۲۵۴/۰۴۱
DF	درجه آزادی	-	۹۰	۸۸
RMSEA	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	$< 0.1$	۰/۰۵۲	۰/۰۴۷
GFI	شاخص برازندگی تعدیل یافته	$> 0.9$	۰/۹۰۶	۰/۹۶۶
NFI	شاخص برازش نرم	$> 0.9$	۰/۸۹۸	۰/۹۵۷
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای	$> 0.9$	۰/۸۹۲	۰/۹۴۱

مطابق جدول (۲) مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۷ می‌باشد، لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان‌دهنده این است که میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب است و مدل قابل قبول می‌باشد. همچنین مقدار کای دو به درجه آزادی (۲/۸۸) بین ۱ و ۳ می‌باشد و میزان شاخص GFI، CFI و NFI نیز تقریباً برابر و بزرگتر از ۰/۹ می‌باشد که نشان می‌دهند مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، مدلی، مناسب است.

جدول ۴. برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست‌نمایی (ML)

متغیر	B	$\beta$	$R^2$	معناداری
روان‌رنجوری بر مشارکت سیاسی	-۰/۲۱	-۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۰۳۱
برون‌گرایی بر مشارکت سیاسی	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۰۶	۰/۰۰۲
انعطاف‌پذیری بر مشارکت سیاسی	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۰۲۸
سازگاری بر مشارکت سیاسی	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۱۰	۰/۰۰۰
وجدانی‌بودن بر مشارکت سیاسی	۰/۶۷	۰/۱۷	۰/۱۱	۰/۰۰۰
هویت‌یابی ایگو بر مشارکت سیاسی	-۰/۲۷	-۰/۱۴	۰/۰۳	۰/۰۳

باتوجه به جدول (۴) مسیرهای تیپ ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌یابی ایگو با اثر مستقیم معنی‌داری بر مشارکت سیاسی دارند.

جدول ۵. برآورد غیرمستقیم مدل با استفاده از روش بوت استرپ<sup>۱</sup>

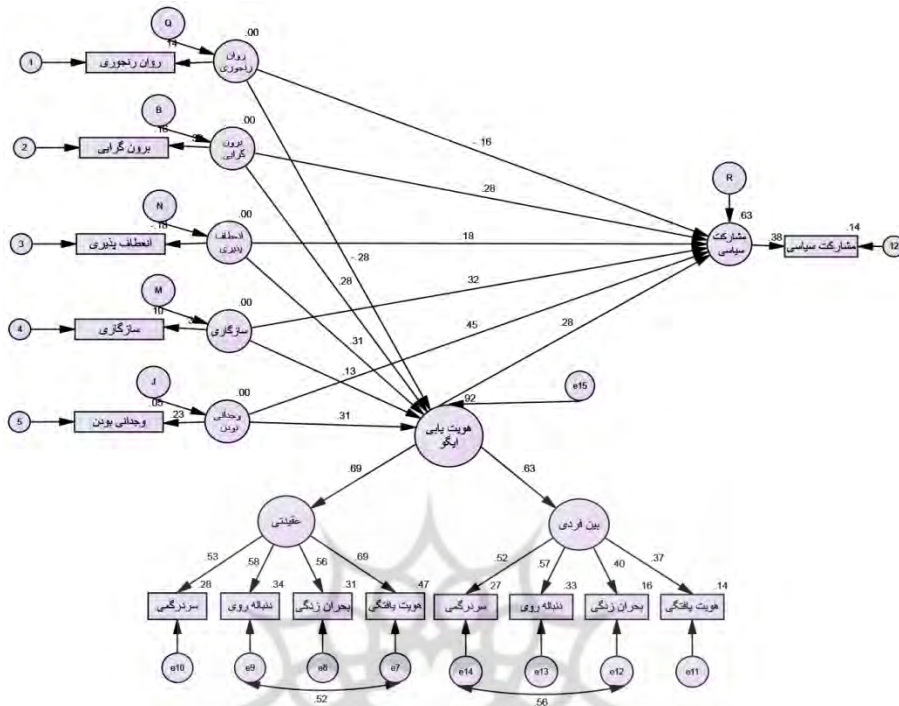
متغیر	B	حد پایین	حد بالا	معنی‌داری
روان‌رنجوری با میانجی‌گری فرایند هویت ایگو بر مشارکت سیاسی	-۰/۱۸۴	-۰/۱۳۶	-۰/۲۱۴	۰/۰۰۳
برون‌گرایی با میانجی‌گری فرایند هویت ایگو بر مشارکت سیاسی	۰/۳۵۶	۰/۲۸۷	۰/۳۶۹	۰/۰۰۱
انعطاف‌پذیری با میانجی‌گری فرایند هویت ایگو بر مشارکت سیاسی	۰/۲۴۷	۰/۱۷۰	۰/۲۸۱	۰/۰۰۳
سازگاری با میانجی‌گری فرایند هویت ایگو بر مشارکت سیاسی	۰/۳۸۷	۰/۳۱۲	۰/۴۲۷	۰/۰۲۲
وجدانی‌بودن با میانجی‌گری فرایند هویت ایگو بر مشارکت سیاسی	۰/۱۷۶	۰/۱۴۹	۰/۲۱۴	۰/۰۰۴

همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، از مسیر غیرمستقیم در نظر گرفته شده با توجه به مقادیر استاندارد شده ( $\beta$ )، استاندارد نشده (b) و ( $R^2$ ) به دست آمده، مسیر ویژگی‌های شخصیتی با میانجی‌گری هویت‌یابی ایگو بر مشارکت سیاسی، با توجه به مقدار به دست آمده دارای اثرات معنی‌داری می‌باشند و با توجه به روش برآورد بوت استرپ مورد تأیید واقع شد.

نکته: در مدل نهایی برای ایجاد متغیرهای نهفته، ضروری است نشانگرهای چندگانه از هر کدام از متغیرها وجود داشته باشد. معمولاً از زیرمقیاس‌های سنج‌ها به عنوان نشانگرهای جداگانه معرف سازه استفاده می‌کنیم، اما در برخی موارد، زیرمقیاس‌های چندگانه معرف سازه خاص وجود ندارد؛ در آن صورت از بسته‌های آیتم<sup>۲</sup> که توسط راسل، کاهن، اپوت و آلت‌میر<sup>۳</sup> (۱۹۹۸)، توصیف شده است، استفاده می‌شود. در این پژوهش نیز از این روش برای تحلیل متغیر ویژگی‌های شخصیتی که با توجه به همبستگی معکوس بین خرده‌مقیاس‌های آن امکان قرار گرفتن در یک متغیر پنهان را دارا نبودند، در نهایت جهت بهبود واریانس کلی مدل با توجه به روش راسل در متغیر پنهان قرار داده شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. bootstrap
2. Item Parcels
3. Russell, Kahn, Spoth and Altmeier



نمودار ۱: مدل نهایی مسیرهای آزمون شده به همراه آماره‌های پیش‌بینی استاندارد شده

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، مدل‌یابی روابط ساختاری ویژگی‌های شخصیت، هویت‌یابی با مشارکت سیاسی دانشجویان بود و این پژوهش گویای آن است که ویژگی‌های شخصیت با میانجی‌گری هویت‌یابی بر مشارکت سیاسی اثر غیرمستقیم دارد و با توجه به مدل نهایی تحقیق به‌طور کلی متغیر برون‌زا توان پیش‌بینی ۸۳ درصدی متغیر مشارکت سیاسی را دارد و به‌طور کلی مدل پژوهش تأیید شد. مقدار اثر ویژگی‌های شخصیتی بر مشارکت سیاسی در این مسیر بسیار قابل توجه و اثرگذار بر مشارکت سیاسی می‌باشد که از یک طرف می‌تواند تحت تأثیر مولفه‌هایی باشد که ویژگی‌های شخصیتی را شامل آن می‌شود. این ویژگی‌ها دارای ابعاد مختلفی هستند و مقوله‌هایی چون وجدانی بودن، برون‌گرا، باز بودن نسبت به تجربه، مقبولیت و وجدانی بودن را در بر می‌گیرند (هافمنز و لویون، ۲۰۱۸)، این نتایج در جهت روابط این متغیرها با یکدیگر، همسو با یافته‌های رجب‌لو و



حسین پناهی (۱۳۹۶)، نظری (۱۳۹۰)، وانگ و شلابی (۲۰۱۸)، جولی، هافمنز و لویون (۲۰۱۸)، وینشنک و داوس (۲۰۱۷)، وینشنک (۲۰۱۷)، رسو و آمانا (۲۰۱۶)، برن اشتاتر و اوپ (۲۰۱۴)، داینس، هاسل و مایلز (۲۰۱۶)، دینز، والداسمیت، استورم و کاراسیچ (۲۰۱۷)، ماسویکوا، گوس و گوردون (۲۰۱۷)، گریمز (۲۰۱۷)، توامس (۲۰۱۷)، جولی، هافمنز و لویون (۲۰۱۸)، می باشد.

هویت، شامل ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و نحوه شناخت فرد از جهان است که به صورت شکلی از آگاهی متبلور می‌شود و در جامعه نوعی انسجام و همبستگی ایجاد می‌کند. این سازوکار زمانی عمل می‌کند که عوامل هویت‌ساز فرهنگی، تاریخی، سیاسی و جغرافیایی در تقابل با هم نباشند و بدون تعارضی بنیادین بتوانند گفتمان مسلطی را به وجود آورند (رجبلو و حسین پناهی، ۱۳۹۶). در واقع، هویت و خودآگاهی ملی مسئله‌ای است که ما را با مفاهیمی نظیر هستی و موجودیت جمعی، احساس تعلق و پیوند جمعی و مهم‌تر از همه اصالت و اعتبار تاریخی هویت آشنا می‌سازد. فهم زمینه‌های هویتی و تأمل در زمینه‌های جامعه‌شناختی آن می‌تواند بسیاری از وجوه آگاهی سیاسی و ملی را ایجاد نماید. هویت ملی را می‌توان به معنای بازتعریف و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی دانست که میراث تمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با الگو و عناصر فرهنگی آن امکان‌پذیر می‌شود (پناهی، ۱۳۸۸).

لوسین پای برای جامعه‌پذیری به سه مرحله معتقد است: ۱. فرایند جامعه‌پذیری پایه که در این مرحله کودک با فرهنگ جامعه آشنا می‌شود و هویت خود را پیدا می‌کند. ۲. جامعه‌پذیری سیاسی که به واسطه آن فرد نسبت به جهان سیاسی خودآگاهی یافته، نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آنها را کسب می‌کند. در این مرحله فرهنگ سیاسی جامعه را در خود درونی می‌کند. ۳. فرایند گمارش سیاسی، یعنی زمانی که فرد در ورای نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده‌گر حرکت نموده به یک شهروند مشارکت‌کننده فعال تبدیل می‌شود (رسو و آمانا، ۲۰۱۶). در نظریه اثربخشی سیاسی، فرد به میزان اثرگذاری عمل خود در جامعه توجه می‌کند و اگر ارزیابی وی این باشد که عمل او اثرگذار و تعیین‌کننده است، دست به انجام آن می‌زند، در غیراین صورت از آن خودداری می‌کند، البته قضاوت‌های فرد درباره میزان اثربخشی عمل وی بستگی به اطلاعاتی دارد که وی از محیط و از سوابق گذشته به دست می‌آورد. هومنز براساس قضیه ارزش معتقد است هراندازه نتیجه عمل یک شخص برای او با ارزش‌تر باشد، به همان اندازه

علاقه وی نسبت به تداوم آن عمل بیشتر می‌شود. تغییر ارزش ممکن است مثبت باشد یا منفی. بنابراین، افزایش در ارزش مثبت یا پاداش، این احتمال را افزایش می‌دهد که شخص یک عمل خاص را انجام دهد. بنابراین، افزایش در ارزش منفی (تنبیه) احتمال انجام آن عمل را کاهش می‌دهد (گالگو و اوبرسکی، ۲۰۱۲). براساس این دیدگاه، نفع‌طلبی یا انتظار پاداش از دیگر ویژگی‌های شخصی است که در مشارکت سیاسی افراد دخیل است؛ بدین معنا که اگر فعالیت سیاسی همراه با پاداش باشد، این پاداش به‌عنوان یک محرک مثبت عمل می‌کند و سبب افزایش عمل سیاسی می‌شود. نظریه دیگر، نظریه عقلانی یا سودمندی مشارکت سیاسی است. براساس این نظریه، انسان‌ها براساس محاسبه سود و زیان دست به اقدام می‌زنند. افراد قبل از اینکه دست به هر مشارکت سیاسی بزنند عاقلانه بررسی می‌کنند که آیا از مشارکت سیاسی خاصی برای آنان سودی حاصل خواهد شد یا خیر؟ در صورتی که سودی از آن نوع مشارکت متصور نباشد، یا احتمال زیانی از آن مشارکت متوجه آن شود، از چنان مشارکت سیاسی خودداری خواهند کرد. در غیر این صورت وارد میدان مشارکت سیاسی خواهند شد. دال در این باره اظهار می‌کند اگر انسان‌ها ارزش و پاداش کمی از فعالیت‌های سیاسی در مقایسه با سایر فعالیت‌ها انتظار داشته باشند؛ کمتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت می‌کنند (گربر و همکاران، ۲۰۱۱). وی دو نوع پاداش را برای فعالیت‌های سیاسی از هم تفکیک می‌کند: رضایت مستقیم از فعالیت، در اثر اینکه او در نظر خودش و دیگران یک شهروند خوب معرفی شود یا در اثر ارتباط معنی‌دار با دوستان و آشنایان و یا افزایش احساس اعتماد به نفس و عزت نفس، بنابراین فرد احساس رضایت‌مندی خاصی به دست می‌آورد.

## تشکر و قدردانی

این پژوهش بدون همکاری جامعه هدف پژوهش انجام نمی‌گرفت. در همین جا از کلیه این عزیزان تشکر و قدردانی نموده و برای همه آنها از خداوند منان آرزوی توفیق، سلامتی و سربلندی می‌کنیم. همچنین از جانب هیچ سازمانی حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است.

## منابع

- آقاجانی، محمدحسن؛ ذرذاد، ولی‌الله و شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۷)، مقایسه سبک‌های هویت دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران براساس جنسیت، رشته تحصیلی و بومی و غیربومی بودن، فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۳۸: ۱۶۴-۱۳۵.
- ابراهیمی مقدم، حسین و اکبری، حامد (۱۳۹۴)، رابطه سبک‌های هویت و اعتیاد به اینترنت در دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، نخستین کنگره بین‌المللی جامع روان‌شناسی ایران، تهران، مرکز همایش‌های توسعه ایران.
- احمدی، پور زهرا؛ علوی، سیدعلی و محمدیهودی، محمدرضا (۱۳۹۲) تأثیر ویژگی‌های قومی در فرایند مشارکت سیاسی کشور (مطالعه میدانی: استان خوزستان)، جغرافیا، ۱۱، ۳۶: ۱۸۱-۱۹۹.
- اصل فتاحی، بهرام و نجارپور استادی، سعید (۱۳۹۱)، بررسی رابطه ابعاد شخصیت و سبک‌های هویت با میزان استفاده از اینترنت و مقایسه آن در بین دانشجویان دختر و پسر، نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین، سندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سندج.
- اطهری، حسین و شهریاری، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان مطالعه موردی زنان شهر بوشهر، زن در توسعه و سیاست، ۶، ۱۲، ۲: ۲۶۵-۲۸۶.
- امینی کسبی، حسین و نرگسیان، عباس (۱۳۹۴)، تأثیر شخصیت برند سیاسی بر مشارکت سیاسی، تحقیقات بازاریابی نوین، ۵، ۲: ۱۴۷-۱۶۲.
- انصاری، احمد (۱۳۹۶)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (جوانان ۲۰-۳۵ سال) کهگلویه و بویراحمد در دوره اول ریاست جمهوری حسن روحانی، رهیافت، ۸، ۱۱، ۴۰: ۱۴۵-۱۶۷.
- برجعلی‌لو، سمیه (۱۳۸۶)، تفکر انتقادی، سبک‌های هویت و تعهد هویت. پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- بزی، مصطفی و حیدرزادگان، علی‌رضا (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین اعتیاد به اینترنت با سبک‌های هویت و رشد اجتماعی دانش‌آموزان، دومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، [https://www.civilica.com/Paper-CTCONF02-CTCONF02\\_169.html](https://www.civilica.com/Paper-CTCONF02-CTCONF02_169.html)
- پالیزبان» محسن (۱۳۹۰)، بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه سیاست، ۴۱، ۲، ۳۳-۴۹.

- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۸)، بررسی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی دانشجویان، مورد: دانشجویان دانشگاه قم، کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- پناهی، محمدحسین و خوشفر، غلامرضا (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، مطالعه موردی: استان گلستان، پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان، ۱ (۲): ۳۲-۴۹.
- جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج، علوم سیاسی، ۳، ۷، ۲: ۷۸-۶۹.
- جمشیدی، مژگان و سروقد، سیروس (۱۳۹۴)، نقش میانجی سبک‌های هویت در رابطه بین تمایز یافتگی خود و اعتیاد به اینترنت دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیردولتی، فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال ششم، شماره ۲۰: ۵۳-۳۷.
- حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، مدل ساختاری ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های هویتی با میانجی‌گری ناگویی هیجانی در افکار خودکشی سربازان، فصلنامه روان‌شناسی نظامی، ۶، ۲۳: ۵۷-۴۱.
- حجازی، الهه؛ برجعلی‌لو، سمیه و نقش، زهرا (۱۳۸۸)، رابطه سبک‌های هویت، تعهد هویت و خودکارآمدی تحصیلی: آیا تعهد هویت نقش واسط‌های دارد؟ مجله روان‌شناسی، ۱۳، ۴: ۳۷۷-۳۹۰.
- حجازی، الهه؛ ویسانی، مختار؛ قادری، محمدصدیق و یزدان‌پناه، شایسته (۱۳۹۴)، رابطه سازوکارهای دفاعی و سبک‌های هویت با اعتیاد به اینترنت در میان دانشجویان کارشناسی کوی دانشگاه تهران، ششمین همایش سراسری آسیب‌های پنهان زیست دانشجویی، کردستان، جهاد دانشگاهی واحد کردستان.
- حسینی‌المدی، سیدعلی؛ احدی، حسن؛ کریمی، یوسف؛ بهرامی، هادی و معاضدیان، آمنه (۱۳۹۱)، مقایسه تاب‌آوری، سبک‌های هویتی، معنویت و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در افراد معتاد، غیرمعتاد و بهبودیافته، اعتیاد پژوهی، ۶، ۴۷: ۲۱-۶۴.
- حسینی، قاسم (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بیگانگی سیاسی و اجتماعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سال‌های ۸۷-۸۶ فصلنامه علوم اجتماعی، ۵۰: ۴۸-۳۱.
- حشمتی، رسول (۱۳۸۸)، بررسی ناگویی خلقی و خودشناسی انسجامی در بیماران مبتلا به اختلالات سایکوتیک، غیرسایکوتیک و افراد بهنجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

حمیدی، فریده؛ مهدیه نجف‌آبادی، مجید و نمازیان نجف‌آبادی، ثمانه (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین اعتیاد به اینترنت و اهمال‌کاری تحصیلی در دانش‌آموزان متوسطه، فصلنامه فناوری آموزش و یادگیری، ۱، ۳: ۱۰۶-۹۰.

خاک‌پور، نعیمه (۱۳۹۰)، مقایسه دانشجویان با میزان اعتیاد به اینترنت متفاوت از لحاظ سلامت روان و مؤلفه‌های آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

خانیکی، هادی و رهبر، مصطفی (۱۳۹۴)، نقش ارتباطات میان‌فردی در مشارکت سیاسی مطالعه موردی: انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در شهر تهران، مطالعات اجتماعی، ۹، ۲: ۴-۲۸.

خدابخش، محمدرضا و کیانی، فریبا (۱۳۹۵)، نقش واسطه‌های مشکلات تنظیم هیجان در رابطه ناگویی خلقی با رفتارهای خوردن آشفته در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۰، ۲: ۴۴-۵۱.

داودی، ایران و افشاری، افروز (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین الکی تایمیا با ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۲: ۱۵۰-۱۳۷.

دایی، زهره (۱۳۹۵)، مدل‌یابی روابط بین سبک‌های هویت، سبک فرزندپروری ادراک‌شده و ناگویی هیجانی با آمادگی به اعتیاد در دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

دلاور، علی (۱۳۹۱)، روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: رشد.

درگاهی، ح. (۱۳۸۲)، اعتیاد مجازی، مقالات هیئت علمی دانشگاه تهران.

دلپسند، کامل؛ ایار، علی؛ خانی، سعید و محمدی، پریخان (۱۳۹۱)، حمایت اجتماعی و جرم: مطالعه تطبیقی جوانان مجرم و عادی شهر ایلام، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱، ۲: ۸۹-۱۲۰.

دینانی، فروزنده (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین سبک‌های هویت و خودپنداره با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهرستان آمل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

دیویسون، جerald سی (۱۳۸۴)، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه دکتر مهدی دهستانی، تهران: نشر ویرایش.

رافضی، زهره و جوانمرد، الهه (۱۳۹۴)، پیش‌بینی سلامت اجتماعی براساس مؤلفه‌های ناگویی خلقی در کارکنان شهرداری، فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۹: ۱۵-۲۹.

- رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۹۳)، ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سنجش عینی منزلت هویت من در نوجوانان، روان‌شناسی معاصر، ۱۳۹۳، ۹(۲): ۴۹-۶۲.
- رحیمی‌نژاد، عباس (۱۳۷۹)، بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی، رساله دکتری روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۰)، ضرورت مشارکت سیاسی نسل سوم جوانان در ایران، نقد تشکلهای مشارکتی و پیشنهاد مدل کارآمد، فصلنامه سیاست، ۴۱، ۲: ۱۷۹-۱۹۵.
- سرمه، زهره؛ حجازی، الهه و عباس بازرگان (۱۳۹۰)، روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگه.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲، ۶: ۱۱۲-۱۰۳.
- شکری؛ امید، تاجیک اسماعیلی، عزیزالله؛ دانش‌پور، زهرا؛ غنایی، زیبا و دستجردی، رضا (۱۳۸۶)، تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش تعهد هویت، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۹، ۲: ۴۶-۳۳.
- شولتر، دوان و سیدنی، الن (۲۰۰۰)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی (۱۳۸۶)، تهران، نشر ارسباران، چاپ ششم.
- شمس اسفندآبادی، حسن؛ کاکاوند، علی‌رضا و ترابی، زهرا (۱۳۹۰)، رابطه سبک‌های دلبستگی و هویت با سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر قزوین، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۷، ۲: ۱۲۹-۱۰۸.
- شیخ‌زکریایی، وریا؛ محمدی، امید؛ کریمی، صلاح‌الدین و نافع، ایوب (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهرستان سنندج، زن در فرهنگ و هنر، ۸، ۴: ۵۷۳-۵۸۸.
- طالبی، الهه (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سبک‌های هویت و تعهد هویت با سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دانشگاه آزاد ساری ۹۱-۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
- عبداللهی‌نژاد، علی‌رضا؛ قاسمی‌نژاد، ابوذر و صادقی، جواد (۱۳۹۵)، رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در انتخابات رابطه استفاده از فیس‌بوک تلگرام و اینستاگرام و مشارکت سیاسی دانشجویان در انتخابات هفتم اسفند ۹۴، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۲: ۷۹-۶۹.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ بیگی‌نیا، عبدالرضا و تصمیم قطعی، اکرم (۱۳۸۹) عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران، دانش سیاسی، ۶، ۱۲: ۲۰۷-۲۴۰.

فتحی، محمد؛ سهرابی، فرامرز و سعیدیان، مرتضی (۱۳۹۱)، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های هویت در دانشجویان معناد و غیرمعناد به اینترنت، مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۱، ۲: ۹۹-۹۰.

فرج‌زاده، مهدیه (۱۳۹۳)، نقش شبکه ماهواره‌ای فارسی زبان بی‌بی‌سی در مشارکت سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، پردیس آموزش‌های نیمه‌حضور.

قاسمی، وحید (۱۳۹۰)، برآورد حجم بهینه نمونه در مدل‌های معادله ساختاری و ارزیابی کفایت آن برای پژوهشگران اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۲، شماره ۴: ۱۶۱-۱۳۸.

قاسم‌پور، فاطمه (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین سبک‌های هویتی و انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان ساری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

قنبرعلی، رجبلو و حسین‌پناهی، حلیمه (۱۳۹۶)، هویت قومی و توسعه‌یافتگی سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵)، مطالعات توسعه اجتماعی، ۱۰: ۱، ۲۵-۴۶.

کوندرا، میلان (۱۳۹۲)، هویت، ترجمه پرویز همایون‌پور، تهران: انتشارات قطره.  
 محبی، سیروس؛ رستمی، مسلم؛ کلاتری‌پور، سمیرا و سلطانی، اقبال (۱۳۹۵)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در مناطق حاشیه‌نشین شهرها (مورد مطالعه: مناطق حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه)، علوم اجتماعی، ۱۰، ۳۴: ۱۴۵-۱۷۲.

محمدی، افشین و شهیدیان، احمد (۱۳۹۰)، بررسی راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان باتأکید بر شناسایی روابط میان‌فردی مؤثر در شبکه اجتماعی، مطالعات رسانه‌ای، ۶، ۱۴: ۱۰۵-۱۱۹.

مغانلو، مهناز؛ آگپلاروفایی، مریم و شهرآرای، مهنراز (۱۳۸۸)، رابطه سبک‌های هویت و دینداری دانشجویان، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۵، ۴: ۳۸۷-۳۷۷.

نادری، احمد (۱۳۹۶)، فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه اثربخشی عوامل تبیین‌کننده، مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۲۴، ۱: ۲۵۹-۲۹۰.

نیکنام، مژگان (۱۳۹۰)، اثربخشی درمانگری به شیوه آموزش تنیدگی‌زدایی بر رضامندی روانی و تنیدگی ادراک‌شده با توجه به سبک‌های هویت، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

نظری علی، اشرف (۱۳۹۰)، احزاب سیاسی و هویت ملی تاملی در کارکردها و چشم‌اندازها، مطالعات ملی، ۱۲، ۱ (۴۵): ۷۳-۹۸.

هادی نژاد حسن؛ طباطباییان مریم و دهقانی، مریم (۱۳۹۳)، بررسی مقدماتی روایی و پایایی پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت آزمایی بل، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۲۰، ۲: ۱۶۲-۱۶۹.

هجل، لاری، ای و زیگلر، دانیال، جی. (۱۳۷۸)، نظریه‌های شخصیت (مفروضه‌های اساسی، پژوهش و کاربرد)، ترجمه علی عسگری، (۱۳۷۹)، انتشارات دانشگاه آزاد.

هومن، حیدر علی (۱۳۹۳)، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، انتشارات سمت، چاپ اول.

## References

- Alam, M. B. (2018). Embracing policy and politics: The political participation of the Indian diaspora in the US. *World Affairs: The Journal of International Issues*, 22(1), 62-79.
- Adams, G. R. (1998). *The objective measure of ego identity status: A reference manual*.
- Aina Gallego • Daniel Oberski (2012). Personality and Political Participation: The Mediation Hypothesis. *Political Behaviour* September 2012, Volume 34, Issue 3, pp 425-451
- Astin, Sax, L. J., A. W., Korn W. S., & Mahoney, K. M. (1995). *The American freshman: National norms for Fall 1995*. Los Angeles, CA: Higher Education Research Institute. (ERIC Document Reproduction Service No. ED 390 351)
- Bell MD, Billington RJ, Becker BR. A scale for the assessment of object relations: Reliability, validity, and factorial invariance. *J Clin Psychol*. 1986; 42(5):733-41.
- Bellak L, Hurvich M, Gediman H. *Ego functions in schizophrenics, neurotics and normals*. New York: John Wiley; 1973.
- Block, J. and Block, J.H. (2006). Nursery school personality and political orientation two decades later. *Journal of Research in Personality* 40, pp. 734-749
- Bowlby JA. *Secure Base: Clinical Application of Attachment Theory*. London: Rutledge; 1998. P. 45-6.
- Berzinsky, M.D (2008). Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes. *Journal of Personality and Individual Differences*, 44(3), 654-655.
- Berzinski, C. (2012). *Recovery Mentorship Programs and Recovery from Addiction*.
- Berzonsky, M. D., Cieciuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: Associations between identity styles and value orientations. *Personality and Individual Differences*, 50(2), 295-299.



- Brandstätter, H., & Opp, K. D. (2014). Personality traits (“Big Five”) and the propensity to political protest: Alternative models. *Political Psychology*, 35(4), 515-537.
- Caspi, A., Liviatan, I., & Roccas, S. (2016). the role of motivational processes in the relationship between national identification and political participation: or1656. *International Journal of Psychology*, 51, 921.
- Christopher Dawes, David Cesarini, James H. Fowler, Magnus Johannesson, Patrik K. E. Magnusson, Sven Oskarsson (2014). The Relationship between Genes, Psychological Traits, and Political Participation. *American Journal of Political Science*. Volume 58, Issue 4. October 2014. Pages 888–903
- Christopher Weber (2013). Emotions, Campaigns, and Political Participation. *Political Research Quarterly*. Issue number 2. Volume 66. Pages 414-428
- Cindy D. Kam (2012). Risk Attitudes and Political Participation. *American Journal of Political Science*. Volume 56, Issue 4 October 2012 Pages 817–836
- Curtin, N., & McGarty, C. (2016). Expanding on psychological theories of engagement to understand activism in context (s). *Journal of Social Issues*, 72(2), 227-241.
- Daniel Houser, Sandra Ludwig, Thomas Stratmann (2016). Deception and Political Participation: Theory and Laboratory Evidence. *Economic Inquiry* January 2016.
- Douglas Page (2017). When Does Sexuality-Based Discrimination Motivate Political Participation? *Political Psychology*. December 2017. Volume 38, Issue 6. Pages 905–1124.
- Dins, T., Waldschmidt, A., Sturm, A., & Karačić, A. (2017). Identity and political participation throughout the life course: The experience of persons with disabilities in European countries. In *Understanding the Lived Experiences of Persons with Disabilities in Nine Countries* (pp. 83-101). Routledge.
- Dynes, A. M., Hassell, H. J., & Miles, M. R. (2016). Personality Traits, Candidate Emergence, and Political Ambition: How Personality Affects Who Represents Us. In *Annual Meeting of the American Political Science Association*, Philadelphia, PA.
- Edgerly, S., Vraga, E. K., Bode, L., Thorson, K., & Thorson, E. (2018). New media, new relationship to participation? A closer look at youth news repertoires and political participation. *Journalism & Mass Communication Quarterly*, 95(1), 192-212.
- Ednaldo Aparecido Ribeiro, Julian Borba (2016). Personality, Political Attitudes and Participation in Protests: The Direct and Mediated Effects of Psychological Factors on Political Activism. *Brazilian Political Science Review*. São Paulo 2016 vol.10 no.3

- Erikson, E. H. (1950). *Childhood and society*. New York: W. W. Norton & Co.
- Erikson, E. H. (1968). *Youth identity and crisis* London: Faber and Faber.
- Fominaya, C. F. (2016). Unintended consequences: the negative impact of e-mail use on participation and collective identity in two 'horizontal' social movement groups. *European Political Science Review*, 8(1), 95-122.
- Gallego, A., & Oberski, D. (2012). Personality and political participation: The mediation hypothesis. *Political behavior*, 34(3), 425-451.
- Gerber, A. S., Huber, G. A., Doherty, D., & Dowling, C. M. (2011). The big five personality traits in the political arena. *Annual Review of Political Science*, 14.
- Gerber, A. S., Huber, G. A., Doherty, D., Dowling, C. M., Raso, C., & Ha, S. E. (2011). Personality traits and participation in political processes. *The Journal of Politics*, 73(3), 692-706.
- Grimes, L. (2017). The Value of Black Lives: The Effect of the Digital Age on African American Identity and Political Participation. *The Journal of Traditions & Beliefs*, 5(1), 8.
- Gillenson, A., & Fornari, J. D. (2014). U.S. Patent No. 8,825,523. Washington, DC: U.S. Patent and Trademark Office.
- Guntrip, H. (2018). *Schizoid phenomena, object relations and the self*. Routledge.
- Gail Pacheco, Thomas Lange (2010). Political participation and life satisfaction: a cross-European analysis. *International Journal of Social Economics*. Volume 45 Issue 1. Page 312-328
- Hebert GL, Cormack VK, Callahan JL. An investigation of the Object Relations Theory of Deprivation. *Psychoanal Psychol* 2010; 27: 219-34.
- Ha, S. E., Kim, S., & Jo, S. H. (2013). Personality Traits and Political Participation: Evidence from South Korea. *Political Psychology*, 34(4), 511-532.
- Joly, J. K., Hofmans, J., & Loewen, P. (2018). Personality and party ideology among politicians. A closer look at political elites from Canada and Belgium. *Frontiers in psychology*, 9, 552.
- Jasmine Lorenzini. (2015). Subjective Well-Being and Political Participation: A Comparison of Unemployed and Employed Youth. *Journal of happiness studies*, 2015, Vol. 16, No. 2, pp. 381-404
- Kranendonk, M., & Vermeulen, F. (2018). Group identity, group networks, and political participation: Moroccan and Turkish immigrants in the Netherlands. *Acta Politica*, 1-42.
- Khan, S. S., Hopkins, N., Reicher, S., Tewari, S., Srinivasan, N., & Stevenson, C. (2016). How collective participation impacts social identity: A longitudinal study from India. *Political Psychology*, 37(3), 309-325.
- Kathy B. Smith (2009). *Political activists in America: the identity construction model of political participation*. *Political Activists in*

- America: The Identity Construction Model of Political Participation  
Paperback – Penn State University Press; 1 edition January 19, 2009
- Katrine Beaugard (2014). Gender, political participation and electoral systems: A cross-national analysis. *European Journal of Political Research*. Volume 53, Issue 3. August 2014. Pages 617–634.
- Klaus Armingeon & Lisa Schädel. (2015). Social Inequality in Political Participation: The Dark Sides of Individualisation. *West European Politics*, 2015. Vol. 38, No.1, 1–27
- Li S, Bell M. BORRTI journal articles and annotated bibliography. [Internet]. Los Angeles: Western Psychological Services; 2008. [Undated; cited 2012 August 31]. Available from :[http://portal.wpspublish.com/portal/page?\\_paged=53,70155&](http://portal.wpspublish.com/portal/page?_paged=53,70155&)
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of personality and social psychology*, 3(5), 551.
- Maswikwa, B., Gouws, A., & Gordon, S. F. (2017). Constructing Citizenship and Identity: Exploring Political Participation Amongst Black African Women from Zimbabwean and South African Townships. *Politikon*, 1-17.
- Mazzoni, D., Albanesi, C., Ferreira, P. D., Opermann, S., Pavlopoulos, V., & Cicognani, E. (2018). Cross-border mobility, European identity and participation among European adolescents and young adults. *European Journal of Developmental Psychology*, 15(3), 324-339.
- Morsunbul, U. (2014). Internet addiction in adolescence period: its relations with identity style and ruminative exploration. *Anadolu Psikiyatri Derg*, 15(1), 77-83.
- Morales, L., & Giugni, M. (Eds.). (2016). *Social capital, political participation and migration in Europe: making multicultural democracy work?*. Springer.
- Marcia, J. E. (1964). Determination and construct validity of ego identity status. Unpublished doctoral dissertation, Ohio State University.
- Mikael Persson (2012). Does Type of Education Affect Political Participation? Results from a Panel Survey of Swedish Adolescents? *Scandinavian Political Studies*. September 2012. Volume 35, Issue 3. Pages 198–221.
- Mondak, J.J. & Halperin, K.D. (2008). A framework for the study of personality and political behaviour, *British Journal of Political Science* 38, 335–362
- Nauta, M.M. (2004). Self-efficacy as a mediator of the relationships between personality factors and career interests, *Journal of Career Assessment* 12, 381–394
- Pednekar, N. K., & Tung, S. (2017). Problematic internet use in adolescents: Role of identity styles, emotional autonomy, attachment, family environment and well-being. *Indian Journal of Health & Wellbeing*, 8(4).

- Russo, S., & Amnå, E. (2016). The personality divide: Do personality traits differentially predict online political engagement?. *Social Science Computer Review*, 34(3), 259-277.
- Swyngedouw, M., & Phalet, K. (2017). Belgian ethnic minorities: identity, discrimination and political participation.
- Shang E. Ha, Seokho Kim, Se Hee Jo (2013). Personality Traits and Political Participation: Evidence from South Korea. *Political Psychology*. , August 2013. Volume 34, Issue 4, pages 511–532
- Thomas, E. F., McGarty, C., Stuart, A., Lala, G., & Pedersen, A. (2017). Education and social participation: Civic identity and civic participation in formal and informal education contexts. Taylor & Francis (Routledge).
- Vecchione, M., & Caprara, G. V. (2009). Personality determinants of political participation: The contribution of traits and self-efficacy beliefs. *Personality and Individual Differences*, 46(4), 487-492.
- Wang, C. H., & Shalaby, M. M. (2018). Examining the Relationships between Personality Traits and Political Participation Using the Rational Choice Framework. *台灣政治學刊*, 22(1), 187-234.
- Weinschenk, A. C., & Dawes, C. T. (2017). The Relationship between Genes, Personality Traits, and Political Interest. *Political Research Quarterly*, 70(3), 467-479.
- Weinschenk, A. C. (2017). Big Five Personality Traits, Political Participation, and Civic Engagement: Evidence from 24 Countries. *Social Science Quarterly*, 98(5), 1406-1421.
- ZHANG, Y. L., LU, G. Z., LIU, Y. L., & ZHOU, Y. (2017). Mediating effect of self-identity on relationship between interpersonal adaptation and mobile phone addiction tendency in college students. *Chinese Mental Health Journal*, 7, 017.